

شاهزاده و گدا

نویسنده: مارک تواین

مترجم: مرثیه سادات حسینی آذر



انتشارات متن دیگر

فهرست

۵.....	پیشگفتار
۷.....	مقدمه
۹.....	فصل یکم: تولد شاهزاده و گدا
۱۱.....	فصل دوم: وایل زندگی تام
۲۳.....	فصل سوم: کار تام با شاهزاده
۳۷.....	فصل چهارم: اسیر گرفتاری های شاهزاده
۴۵.....	فصل پنجم: تام در مقام شرافت ادگان
۶۱.....	فصل ششم: تام آموزش می بیند
۷۷.....	فصل هفتم: نخستین ناهار شاهانه
۸۵.....	فصل هشتم: ماجرای مهر
۸۹.....	فصل نهم: جشن باشکوه در ساحل رودخانه
۹۵.....	فصل دهم: شاهزاده در رنج و سختی
۱۱۱.....	فصل یازدهم: گیلدهال
۱۲۱.....	فصل دوازدهم: شاهزاده و ناجی او
۱۴۱.....	فصل سیزدهم: ناپدید شدن شاهزاده
۱۵۱.....	فصل چهاردهم: پادشاه چشم از جهان فرو می بندد، زنده باد پادشاه
۱۷۱.....	فصل پانزدهم: تام پادشاهی می کند
۱۸۹.....	فصل شانزدهم: ضیافت ناهار
۱۹۷.....	فصل هفدهم: احمق اول، پادشاه مجنونان
۲۱۷.....	فصل هجدهم: شاهزاده با شیادان

فصل نوزدهم: شاهزاده و رعیت	۲۳۱
فصل بیستم: شاهزاده و پیر عابد	۲۴۳
فصل بیست و یکم: هندن برای نجات شاهزاده می‌شتابد	۲۵۵
فصل بیست و دوم: قربانی خیانت	۲۶۳
فصل بیست و سوم: شاهزاده راهی زندان می‌شود	۲۷۵
فصل بیست و چهارم: در راه	۲۸۱
فصل بیست و پنجم: هنان هال	۲۸۷
فصل بیست و ششم: مطرود	۳۰۱
فصل بیست و هفتم: در زندان	۳۰۹
فصل بیست و هشتم: فداکاری	۳۲۷
فصل بیست و نهم: لندن	۳۳۵
فصل سی‌ام: پیشرفت تام	۳۳۹
فصل سی و یکم: مراسم و جشن با شکوه	۳۴۳
فصل سی و دوم: روز تاج گذاری	۳۵۵
فصل سی و سوم: ادوارد، پادشاه انگلستان	۳۷۴
فصل سی و چهارم: پاداش و مجازات	۳۸۱

پیشگفتار

من داستان را به رشته تحریر درآورده‌ام که فردی آن را برایم تعریف نموده است. آن فرد این داستان را از زبان پدرش و پدرش نیز از زبان اجدادش شنیده است. این بود سینه به سینه نقل شده تا امروز به دست ما رسیده است. قدمت این داستان حدوداً به سیصد سال قبل بازمی‌گردد.

این داستان شاید تاریخی باشد و شاید هم تنها یک افسانه کهن قدیمی. ماجرای این داستان ممکن است اتفاق افتاده باشد یا اینکه ممکن است اتفاق نیفتاده باشد. شاید افراد فضل و باسواد آن روزگار، این داستان را باور داشته‌اند یا ممکن است مردم بی‌سواد و ساده‌دل به این داستان کهن اهمیت داده و دهان به دهان آن را بیان کرده باشند. به این شکل، باعث شهرت و اعتبار این داستان شده باشند.

نویسنده

مارک

توآین

مقدمه

داستان شاهزاده و گدا در دوازدهم دسامبر سال ۱۸۸۱ منتشر شد. در آن هنگام مارک توان چهل و شش ساله و در اوج شهرت نویسندگی اش بود. این اثر، مناسبت از پیرو آثار اوست. مارک تواین جزئیات تاریخ قرن شانزدهم انگلستان را با دقت بیان کرده است. این اثر، شکوه، زیبایی و خشونت های ناعادلانه، که مردم باستان متحمل شده اند، بیان می کند. یک شاهزاده و یک پسر گدا که هر لحاظ به هم شبیه هستند، هریک به طور اتفاقی در جای دیگری قرار می گیرند. برای هر دو پسر، اتفاقات پیش بینی نشده ای رخ می دهد و هر کدام تجربه های فراوانی کسب می کنند که این تجارب را در زندگی شان به کار می برند. مارک تواین استادانه این داستان را طراحی کرده و با نگاشتن این اثر، یک پرتوی را حس کرده است. این داستان زاینده فکر نویسنده است.

پیکان خشم و غضب مارک تواین، قوانین ظالمانه تودیر و منسلت او، خرافه پرستی و بی عدالتی های جامعه قرن شانزدهم را نشانه گرفته است. مارک تواین با نگاشتن این کتاب و به تصویر کشیدن دوران سلطنت هنری هشتم و ادوارد ششم، راه را برای به طنز کشیدن دربار و درباریان باز کرد و درس عبرت آن روزگاران را به رشته تحریر درآورد.

او سعی کرده است خرافه پرستی و بی عدالتی جامعه قرن شانزدهم را به وضوح نشان دهد.

هر دو پسرک، درس عبرت‌هایی از تجارب جدید خود می‌آموزند، اما در نهایت این ادوارد است که می‌گوید: «دنیا وارونه گشته است؛ ظلم و بی‌عدالتی دنیا را فرا گرفته است؛ گاه‌گاهی پادشاهان باید به قوانینی که خود وضع نموده‌اند، تن بدهند و آنها را تجربه کنند تا از این راه، عفو و رحمت را بیاموزند.»

پدیدآورنده

ویکتور

ویشر

www.ketab.ir